

چاپ و نشر کتاب در جهان اسلام

میخائیل و.البین*

ترجمه منصور معتمدی

قوای اروپایی سودمند می افتد. او در رساله ای که به سال ۱۷۲۶/۱۱۳۸ درباره چاپ نوشت، چنین استدلال کرد که مسلمانان بهتر از مسیحیان و یهودیان کتب مقدس خود را حفظ می کرده اند، اما این کتب در کوران های سیاسی همچون تاخت و تازهای مغول و طرد مسلمین از سرزمین اندلس از دست رفته اند. چاپ، فواید و امتیازات فراوانی در بر دارد، چرا که علم را در میان مسلمانان اشاعه می دهد؛ با چاپ، کتاب ارزانتر می شود و بنابراین عموم مردم می توانند دسترسی بیشتری به آن داشته باشند؛ با چاپ کتاب، مطالعه راحت تر و دوام کتاب بیش تر می شود. اگر چنانچه سلطان عثمانی مسلمانان را از این منافع متنفع کند شایسته قدردانی خواهد شد. البته می توان متون فاسد و مستهجن چاپ شده در اروپا را از دور کارهای خود خارج کرد و به چاپ نرساند. سال بعد، متفرقه اجازه چاپ کتاب را به شرطی که از طبع آثار مربوط به دین احتراز ورزد، کسب کرد و او نیز رعایت این شرط را محترم شمرد. این قید صریح که در مورد چاپ آثاری دینی نظیر قرآن و حدیث و فقه وجود داشت، متولیان مسلمان امور چاپ و نشر را بیش از صد سال در محدودیت نگاه داشت.

مشایخ که از تسلط خود بر مبانی تعالیم سنتی خاطر جمع بودند، هیچ وجهی در استفاده از چاپ برای بهبود بخشیدن به امر ارتباط با مخاطب نمی دیدند. خطبه های نماز جمعه و مدارس علمیه و نسخ دستنوشته، حافظ علوم اکتسابی بودند و وسایل صیانت از دیانت توده مردم به شمار می رفتند. فرهنگ

باید در میان «چاپ و نشر در کشورهای اسلامی» و «چاپ و نشر اسلامی» تمایز قائل شد. بحث چاپ و نشر در کشورهای اسلامی در برگیرنده چاپ کتاب هایی به دست مسیحیان از سده هفدهم میلادی تا روزگار ما است که طی آن کتبی با موضوعاتی غیردینی Secular مثل متون درسی و نیز آثار ادبی و مجلات عمومی انتشار یافته اند. اصل و منشأ این نوع آثار را باید استانبول سده هجدهم میلادی و چاپخانه های سده نوزدهم بولاق قاهره دانست. مبحث دوم، یعنی چاپ و نشر اسلامی که موضوع این مقاله است از اواسط تا اواخر سده نوزدهم گسترش یافت. این قسم چاپ و نشر که از سر منشایی با امکانات محدود سر بر آورده بود چنان رشد کرد که امروزه در میان تولیدات ناشران خاورمیانه حضوری فراگیر دارد.

یکی از جهات تأخیر در چاپ کتب اسلامی این بود که جماعات متدین و سنتی از چاپ اکراه داشتند. ابراهیم متفرقه (۱۰۸۵-۱۱۵۸ هـ. ق. / ۱۶۷۴-۱۷۴۵ م.)^۱ پیشرو پرآوازه چاپ کتاب در خاورمیانه، بیش از ده سال کوشید تا توانست سلطان عثمانی و شیوخ دربارش را متقاعد سازد که چاپ، خطری برای فرهنگ اسلامی ندارد، بلکه به پیش رفت هایی می انجامد که به حال حکومت عثمانی در مواجهه و مقابله با

* Albien, Michad W. "Book publishing", in The Oxford Encyclopedia of the Modern Islamic World, ed. John Esposito, Oxford University Press, New York 1995.

۱. سال وفات متفرقه در متن مقاله ۱۷۵۴ آمده که اشتباه است. وی در ۱۱۵۸ هـ. ق. که معادل ۱۷۴۵ م. می شود وفات کرده است. مترجم.

کتاب دینی را در تهران چاپ می کرده است. کتاب زادالمعاد محمد باقر مجلسی، پیشوای کثیرالتألیف شیعی سده یازدهم/ هفدهم که در باب دعا و نماز و شعایر دینی بود، نزدیک به بیست بار طی سده سیزدهم/ نوزدهم در تهران و تبریز و لکنهوی هند به چاپ رسید. با وجود اینها، صنعت نشر حتی پس از تأسیس نخستین مدرسه در ۱۲۶۷/ ۱۸۵۱ - که برنامه های آموزشی آن مطابق مدارس اروپا بود - بسیار کند پیش می رفت. متون درسی، یادداشت برداری های کلاسی و ترجمه های انجام شده از زبان های اروپایی از لوازم مدرسه بودند، اما فنون و شیوه های چاپ تنها به افراد خاصی این امکان را می بخشید که کتب دارای موضوعات گسره و از جمله موضوع دینی را به چاپ برسانند. با اطمینان می توان گفت که قشر روحانیان، افرادی باسواد و دارای نفوذ کلام در خود داشت. ایشان که در استفاده از صنعت چاپ به عنوان وسیله ای برای تبلیغ تردید داشتند، از امکانات بالقوه آن در جنبش تنباکو که در ۱۳۰۷-۱۳۱۷/ دهه ۱۸۹۰ به وقوع پیوست به بهترین وجه آگاهی یافتند. با اینکه از اسباب پیدایش این تحول مطالب اندکی می دانیم، اما اطلاع داریم که در آغاز قرن حاضر در ایران، آثار دینی در قیاس با کتب دیگر همیشه خریدار بیشتری داشته است.

تعیین دقیق زمان تبدیل «چاپ» به «چاپ و نشر» دشوار است، زیرا، اولاً تعیین وجه تمایز این دو، کاری ظریف است و ثانیاً به تحقیقات بیشتری در مورد فعالیت های فرهنگی سال های ۱۲۷۷ تا ۱۳۱۷/ ۱۸۶۰ تا آغاز قرن بیستم نیاز دارد. گویا، چاپخانه های دولتی هیچ روشی برای توزیع کارهای چاپ شده و رساندن آنها به دست خوانندگان نداشته اند. بدین معنا، هیچ یک از نخستین چاپخانه های دولتی در حقیقت، ناشر نبوده اند. نشر، بیش از هر چیز تجارت کتاب است و ناشران موفق طالب آند که با استفاده از القاب و عناوین مؤلفان یا چاپ آثار کلاسیک و نظارت بر دستگاه تولید و فنون (چاپ) و بازاریابی و افزودن بر تعداد خوانندگان جدید، پشوانه ای محکم و ثابت برای خود ایجاد کنند.

شاید آنچه در مصر، در زمان عباس و اسماعیل پیش آمد، بتواند مسأله را روشن کند. گویا دوره انتقال از «چاپ» به «چاپ و نشر» حقیقی را باید روزگار حکومت خدیو عباس (۱۲۶۵-۱۲۷۰/ ۱۸۴۹-۱۸۵۴ م.) و خدیو سعید (۱۲۷۰-۱۲۷۹/ ۱۸۵۴-۱۸۶۳) دانست. دوره مذکور، دوران متلاطم چاپ و نشر مصر بود. چاپخانه بولاق که در واپسین سال های حکومت محمد علی، واپسین نفس های خود را می کشید، دست به تکیه شدید بر کارهای قراردادی زد. افزون بر این، چاپخانه های رقیب همدیگر، چه

مسلمانان که بر ذات خود اتکا داشت و از هیچ جا اطلاعی نداشت، فرهنگی بود که در آن حتی عقاید دینی جدیدی همچون آرای ابن تیمیه (۶۶۱-۷۲۸/ ۱۲۶۳-۱۳۲۸) یا محمد بن علی السنوسی (۱۱۸۳-۱۲۷۵/ ۱۷۸۹-۱۸۵۹) به کندی از طریق وعاظ بانفوذ یا محافل صوفیه، به میان توده مردم بی سواد راه می یافت.

چاپ موضوعات اسلامی عموماً تا نیمه سده نوزدهم، در مهم ترین مناطق اسلامی (امپراتوری عثمانی و ایران) و به مهم ترین زبان های اسلامی (عربی، فارسی، ترکی) صورت می پذیرفت. در استانبول خود متفرقه و اخلاف بلافصلش هیچ کتابی درباره موضوعات اسلامی چاپ نکردند. طی سده نوزدهم چاپ و نشر در استانبول حالتی غیر دینی به خود گرفت، هر چند شواهدی دال بر وجود واکنش های پنهانی در برابر گرایش به اروپا در دست است. این واکنش ها به صورت رساله هایی به چاپ سنگی علیه بدعت های غربی مثل تلگراف و کشتی بخار نمودار می شدند.

در مصر نیز تفاوت چندانی به چشم نمی خورد. در آنجا نیز بر موضوعات فنی جدید و پیشرفته تأکید می شد و تاریخ و مطالعات ادبی ارائه می گردید. محمد علی پاشا (۱۱۸۴-۱۲۶۵/ ۱۷۷۰-۱۸۴۹ م.) مطبوعه مشهور بولاق را در ۱۲۳۷/ ۱۸۲۲ تأسیس کرد. محمد علی که تقریباً از استانبول مستقل بود و بیشتر به عمل تمایل داشت تا مباحث الهیات، با این انگیزه به چاپ روی آورد تا بتواند از آن در برپایی یک حکومت متجدد و پیشرفته که بتواند هم مانع قوای اروپایی باشد و هم در برابر سلطان سدی ایجاد کند، بهره جوید. از این رو، مطبوعه بولاق توجه خود را بر چاپ آثاری معطوف کرد که در ببحوجه ۱۸۲۲ تا ۱۸۴۰ از ارزش عملی برخوردار بودند. این چاپخانه کتب محدودی نیز که محتوای اسلامی داشتند، چاپ کرد.

ایران یک مورد کاملاً متفاوت است. در این کشور، طبق آنچه عده ای از محققان گفته اند، طبع کتاب بسیار زود یعنی در ۱۲۲۷ هـ. ق/ ۱۸۱۲ م و در شهر غربی ایران، تبریز، به راه افتاد. با اینکه دواعی چاپ در ایران تا حد زیادی ناظر بر اغراض غیر دینی بود، چاپ و نشر متون دینی پیشتر از آنکه استانبول یا قاهره دست به کار آن شوند، آغاز شد. مدارکی در دست است که نشان می دهند منوچهرخان در ۱۲۳۵ تا ۱۲۴۵ دهه ۱۸۲۰

کرده‌اند. یوسف البستانی، کتابفروش عمده قاهره در فهرست ۱۹۳۴ خود نشان می‌دهد که ناشران کتب «تراث»، در صورت وجود، معدود بوده‌اند، اما بیشتر ناشران به نحو مصمّمی به چاپ کتب مربوط به «دعوه» توجه داشته‌اند. کار ناشران تراث بیشتر تجدید طبع آثار کلاسیک علوم اسلامی است. برخی اوقات، موضوعاتی داغ و تازه سر از چاپخانه درمی‌آوردند؛ مثلاً رساله السّین اثر مجادله انگیز مصطفی الکرّامی بر ضد وهابیان در ۱۳۳۹/۱۹۲۱ به طبع رسید.

ناشران خصوصی قاهره و بیروت در سال‌های بعد، دست به چاپ و نشر هر دو نوع کتاب برای عرضه انبوه به بازار زدند. با افزایش سواد، هر دو نوع اثر که از میان نوشته‌های اسلامی به چاپ می‌رسید، سود نصیب ناشر می‌کرد. همچنین کار ناشران مصری که به علت نزدیکی به الازهر و معاهد علمی وابسته بدان، طبع‌های ارزان قیمت از آثار کلاسیک را برای استفاده طالب علمان چاپ می‌کردند، رونق خوبی داشت. در تمام شاخه‌های علوم اسلامی آثاری به صورت چاپی درآمده و موجودی کتب دکه‌های کتابفروشی و بازار کتاب را در مجله الازهر قاهره تشکیل دادند. این طبع‌ها در تمام بلاد اسلامی طالبان جدی و مشتاق دارند.

مراکز نشر دولتی کماکان به کار خود در این زمینه ادامه می‌دهند. برخی از ناشران مصر، مثل هیئة المصریه العامه للکتاب، آثار خودشان را از طریق کتابفروشی‌های دولتی یا کتابفروشی‌های خصوصی به بازار عرضه می‌کنند. سایر نهادها، همچون وزارتخانه‌های فرهنگ یا اوقاف در عمان و مراکش و ایران همچنان به کار دیرینه و سنتی توزیع آثارشان که فقط برای اهل علم و مجامع فضلا صورت می‌گرفت، ادامه می‌دهند.

از جمله آثاری که از ظرافت تکنیکی بیشتری برخوردارند، کتاب‌های مربوط به تراثند که در بیروت به وسیله ناشرانی چون دارالغرب الاسلامی و دارالجیل تجدید طبع می‌شوند. جنگ مصیبت بار ۱۹۷۵ تا ۱۹۸۵ لبنان، تنها برای این ناشران تجاری دست اندر کار تجدید طبع آثار اسلامی در دسر ایجاد کرد. در کشورهای خلیج [فارس] و شبه جزیره عربستان بازارهای گسترده کتاب، عناوینی را که پیشتر در زمره گنجینه‌های نسخ خطی نایاب قرار داشتند، یا به صورت کتب طبع شده‌ای که چاپ آنها مدت‌ها به اتمام رسیده بود، به معرض فروش گذاشته‌اند. این عناوین که بسیاری از آنها شامل یک دوره کتاب می‌شوند-عموماً با صحافی چرم نما و تذهیبکاری- به چشم هر کس که کتابفروشی‌های کشورهای اسلامی یا فروشگاه‌های

دولتی و چه خصوصی، بر سر به چنگ آوردن کار از یکدیگر پیشی می‌گرفتند. افراد برای پدید آوردن آثار کلاسیک دینی و ادبی به زبان‌های ترکی و عربی با این چاپخانه‌ها قرارداد می‌بستند. تا این اوان، دیگر، روحانیان از آن قید و شرط‌هایی که پیشتر در مورد چاپ قائل می‌شدند، دست کشیده بودند. نمونه‌های متعدد، شاهد بر آنند که اقدامات جسورانه ایشان در سرمایه‌گذاری در تولید کتاب برای تعالی دادن به معنویات و ترقی در امور مالی بوده است. از کتب پرفروش این روزگار بدرالمنیر و دیگر آثار عبدالوهاب شعرانی، عالم سده دهم/چهارم بود؛ چهارده اثر از کارهای او در میان سال‌های ۱۲۷۴ تا ۱۲۷۷/۱۸۵۸ تا ۱۸۶۱ به چاپ رسیدند. برخی از آنها محرمانه و برخی در بلاق با قرارداد خصوصی چاپ شدند. در همین ایام بود که نخستین کوشش‌ها برای چاپ قرآن صورت گرفت، اما این تهوّر و مخاطره دشوار محکوم به شکست شد. سایر آثاری که در مسائل دین اسلام نقش محوری داشتند به زیور طبع آراسته شدند: صحیح بخاری (در ۱۲۸۰/۱۸۶۳)، مجموعه‌ای از احادیث [حضرت] رسول [ص]؛ فتوحات المکیه ابن عربی (در ۱۲۷۳/۱۸۵۷)؛ روح البیان فی تفسیر القرآن، نوشته اسماعیل حقی که کاری عامه‌پسند بود و طبعی از آن در ۱۲۷۵/۱۸۵۹ منتشر شد. رونق بازار چاپ در آن روزگار، ارائه کتابشناسی جامعی را درباره آنچه به چاپ رسیده است، دشوار می‌سازد. آنچه در این خصوص بر مشکل می‌افزاید ورود چاپ سنگی به مصر در حدود سال ۱۲۶۶/۱۸۵۰ است. به واسطه فن چاپ سنگی که امور چاپ با آن ارزان تمام می‌شد، کشورهای مصر و ایران و ترکیه شاهد نشر گسترده عمومی کتاب گردیدند. این چاپخانه‌ها کتبی درباره موضوعات دینی پدید می‌آوردند که محتوا و قطع و جلد ناپخته‌شان سبب بی‌دوامی آنها می‌شد. در مقابل، حجم عظیم تر کتب بیرون آمده از مطبعه‌های دولتی قرار داشتند که برای نگهداری در کتابخانه‌ها مورد تقاضا بودند.

می‌توان گفت که چاپ و نشر پیشرفته در حال حاضر، از تمایل مسلمانان به تبلیغ دین در هر جا که نقصانی در شناخت و عمل به اسلام ببینند، نشأت می‌گیرد. صرف نظر از زمان وقوع این نقطه عطف، نتیجه آن شده که وفور کتاب در موضوعات مختلف و در گستره وسیع جغرافیایی تا به حدی رسیده است که حتی مرور گذرایی بر این پدیده هم امکان‌پذیر نیست. ناشران به صورت تخصصی اقدام به چاپ کتب «تراث» یا «دعوه»

آماری که نشان دهد در کشورهای اسلامی، درصد نشر کتب اسلامی نسبت به کل نشر کتب چه میزان است، یا در دست نیست و یا دقت کافی در آن به عمل نیامده است تا مورد استناد قرار گیرد. اما ناشران کتب دینی بر این نکته متفقند که طی پانزده سال گذشته موضوعات دینی بر بازار نشر کتاب سیطره داشته است. اگر بگوییم که بسیاری از ناشران و کتابفروشان از درآمد فروش کتب دینی به سود کلانی رسیده‌اند، سخن گزافی نگفته‌ایم.

ترجمه آثار کلاسیک اسلامی به زبان انگلیسی و همچنین ترجمه آثار تعلیمی و زهدآمیز، تطور عامی است که در این اواخر رخ داده است. از جمله آثار کلاسیک موجود در زبان انگلیسی می‌توان از چندین ترجمه قرآن به همراه تفاسیری از شخصیت‌های برجسته‌ای چون ابوالاعلی مودودی پاکستانی و فقیه و خطیب مصری، محمد متولی الشعراوی نام برد. علاوه بر اینها، گزیده‌هایی از تعداد عظیم آثار اسلامی نظیر سیره رسول الله [ص]، حدیث، اصول فقه، مناسک عبادت و حج و سایر شعایر و آداب نیز به زبان انگلیسی در دست است. این آثار به واسطه بذل مساعی خاورشناسان غربی و پژوهندگان مسلمان - عمدتاً اهل شبه قاره هند - به انگلیسی برگردانده شده‌اند. آثار سید قطب، و نویسندگان و معلم ایرانی دکتر علی شریعتی، دو اندیشمند مسلمان اواسط قرن بیستم، که چاپ نوشته‌های آنان در کشورهای متبوعشان ممنوع بوده و هر دو به شهادت رسیده‌اند، نیز به زبان انگلیسی درآمده‌اند.

در پایان این نگرش عمومی به چاپ و نشر اسلامی، باید تولیدات صوتی و تصویری را هم در شمار آوریم. محصولات فرهنگی اسلامی را در این وسایل نسبتاً جدید ثبت و ضبط می‌کنند. سازندگان فیلم‌های مستند در صدد بوده‌اند که غنا و تنوع حیات معنوی و فرهنگی اسلامی را، از آسیای جنوب شرقی تا افریقای غربی، برای بینندگان انگلیسی زبان به تصویر بکشند. بی‌تردید، این وسایل ارتباطی از تأثیر بالایی برخوردارند. نقش آنها در انتقال پیام آیت الله خمینی [ره] در تبعید به هموطنانش بسیار مورد توجه قرار گرفته است. همچنین مسلمانان در ایالات متحده از تلویزیون کابلی و شبکه‌های تلویزیونی تجاری کوچک و عمومی بهره‌برمی‌گیرند. همه اینها را باید شکل‌های نوینی از همان آثاری دانست که تولیدشان ۱۵۰ سال پیش در چاپخانه‌های کوچک و با امکاناتی محدود آغاز شد.

ویژه خاورمیانه را در ایالات متحده و اروپا دیده باشد، آشنا می‌آیند.

آثار مربوط به دعوه نیز ناشران و خوانندگان خاص خود را دارند. این نوع عظیم از آثار، شامل شرح و تفسیر موشکافانه و روشنفکرانه حیات معنوی و فرهنگی اسلام است؛ آثار دو نویسنده مصری، محمد الغزالی و محمد عمارة، در زمره بخشند که دارالشروق منتشر کرده است. این شرکت انتشارات مهم را محمد المعلم در ۱۹۶۱ در قاهره بنیاد نهاد. وی در معهد علمی معتبر دارالعلوم، متعلق به دانشگاه قاهره تحصیل کرده بود. این شرکت در آغاز دارالقلم نام داشت و چیزی نگذشت که به سود سرشاری دست یافت؛ توفیق این انتشاراتی، توجه مقامات را که در تشکیلات سوسیالیست جمال عبدالناصر بودند جلب کرد و همین مسأله موجب شد که جمال عبدالناصر شرکت را ملی اعلام کند. المعلم مدت کوتاه، اداره شرکت دولتی شده را در دست داشت و سپس در شرکت انتشاراتی جدید و مستقل دیگر که آن را دارالشروق خوانند، سرمایه‌گذاری کرد. به سبب گستاخیش، مدت کوتاهی به زندان افتاد. هنگامی که آزاد شد از مصر به بیروت رفت و در آنجا همچنان به نشر آثار تحریک‌آمیز نویسندگانی چون سید قطب ادامه داد و بعد از مرگ ناصر به مصر بازگشت. در حال حاضر، دارالشروق در مصر و لبنان و عربستان سعودی به امر چاپ و نشر اشتغال دارد و کتاب‌هایی در زمینه دعوه و همچنین تراث بیرون می‌دهد.

امروزه هر یک از کشورهای عربی و اسلامی، مراکز نشر خاصی برای طبع کتب دعوه و تراث دارد. همچنین در هر کشوری مجموعه‌ای مجله دینی عمومی وجود دارد و موضوعات دینی در نشریه‌های ادواری مورد پسند عموم گنجانده می‌شوند. نمونه‌های این مسأله را در *مجله‌الازهر مصر* از یک طرف تا تفاسیر سیاسی که از منظر اسلام در همه روزنامه‌های عمده مصر انجام می‌شوند، می‌توان دید. در ترکیه، دین بار دیگر موضوع مورد توجه مردم و برای ناشران و کتابفروشان سودآور شده است. کتب ترجمه شده از عربی به زبان ترکی روز، قفسه‌های کتابفروشی‌های استانبول را پر کرده‌اند. امروزه مسلمانان ترک به نوشته‌های شهید مسلمان مصری، سید قطب دسترسی دارند و در عین حال، چشم انتظار ترجمه نوشته‌های رمان‌نویس مصری، نجیب محفوظند.